



دستور خط فارسی تاجیکی

شیوه‌نامه مصوّب و دستور نگارش زبان فارسی تاجیکی
کمیسیون تطبیق قانون زبان جمهوری تاجیکستان

نویسه‌گردانی و توضیحات: حسن قریبی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران ۱۳۸۸

A manual of Tajiki Persian Script and Grammar

ISSN: 1025-0832

Approved by the Commission on Implementation of the
Language Law of the Republic of Tajikistan

Explanations and Transliteration by **Hasan Gharibi**

The Academy of Persian
Language and Literature Tehran 2010

دستور خط فارسی تاجیکی

شیوه‌نامه مصوّب و دستور نگارش زبان فارسی تاجیکی
کمیسیون تطبیق قانون زبان جمهوری تاجیکستان

نویسه‌گردانی و توضیحات
حسن قریبی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی
تهران ۱۳۸۸

ضمیمه شماره ۳۸
نامه فرهنگستان

دستور خط فارسی تاجیکی
نویسه‌گردانی و توضیحات: حسن قریبی

صفحه‌آرایی: فرشته عرب
ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

چاپ: معراج
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
بها: ۱۲۵۰۰ ریال
برای مشترکان: رایگان

نشانی ناشر: تهران، بزرگراه حقانی، بعد از ایستگاه مترو، مجموعه فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

کد پستی: ۱۵۳۸۶۳۳۲۱۱ صندوق پستی: ۶۳۹۴ - ۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۸۶۴۲۴۴۸ - ۸۸۶۴۲۴۳۹ دورنگار: ۸۸۶۴۲۵۰۰

فهرست

- ۷..... پیشگفتار
- ۱۳..... سرسخن
- ۱۵..... دستور خط فارسی تاجیکی
- ۱۷..... الفبا و ترتیب و نام حرف‌ها
- ۱۹..... املاى بعضى مصوّت‌ها
- ۲۳..... املاى بعضى صامت‌ها
- ۲۷..... بردن پاره‌ای از واژه به سطر دیگر
- ۲۷..... املاى اسم
- ۳۹..... املاى صفت
- ۴۱..... املاى عدد
- ۴۳..... املاى ضمير
- ۴۴..... املاى فعل
- ۴۶..... املاى صفت مشتق از فعل
- ۴۷..... املاى قيد
- ۵۰..... املاى حروف اضافه
- ۵۲..... املاى پسایند
- ۵۳..... املاى حرف ربط و حرف عطف
- ۵۴..... املاى قیدهای ترجی و تمنی و تحذیری
- ۵۶..... املاى عبارات ندایی و اصوات

پیشگفتار

دستور خط فارسی تاجیکی شیوه‌نامه مصوب و دستور نگارش زبان فارسی تاجیکی به خط سیریلیک است که در سوم سپتامبر سال ۱۹۹۸ به تصویب جمهوری تاجیکستان رسیده است. این شیوه‌نامه با هزینه «کمیسیون تطبیق قانون زبان جمهوری تاجیکستان»، منتشر^۱ و رایگان توزیع شده است. در «سر سخن» به اهداف و دلایل تدوین این شیوه‌نامه اشاره شده است.

به مناسبت ورود به مبحث دستور خط فارسی سیریلیک، توضیح مختصری درباره نسب‌نامه و زایچه پیوند این خط و زبان شایسته به نظر می‌رسد. تاجیکی - که از آن با نام زبان تاجیکی، فارسی تاجیکی^۲، فارسی فرارودی نیز یاد شده است - به لهجه‌ای از زبان فارسی گفته می‌شود که در آسیای میانه به ویژه در کشورهای تاجیکستان و ازبکستان رایج است.

در زبان تاجیکی، وام‌واژه‌هایی از زبان روسی و ازبکی وارد شده است. افزون بر آن، در مواردی، تاجیکان، برای برخی معانی و مفاهیم، تعبیراتی به کار می‌برند که در زبان فارسی معیار کاربرد ندارد و یا نامأنوس است. برای نمونه در

(۱) انتشارات عرفان، دوشنبه ۱۹۹۹

(۲) به قول بعضی از دانشمندان تاجیک، اصطلاح زبان تاجیکی در زمان شوروی معمول گردید. اصطلاحات ادبیات تاجیک و مانند آن از سال ۱۹۲۴، سال تأسیس جمهوری خود مختار تاجیکستان، رسمیت یافت. نام خلق تاجیک پس از سال ۱۹۱۷ رسماً بر مردم ایرانی تبار آسیای میانه نهاده شد.

فارسی تاجیکی به خفاش، کورشاپرک؛ به فوتبالیست، فوتبالباز؛ و به کتری، چایجوشان می‌گویند. با این همه، فارسی تاجیکی به‌سادگی برای ایرانیان قابل فهم است. در تاجیکستان، زبان تاجیکی را با الفبای تاجیکی می‌نویسند. الفبای تاجیکی گونه‌ای از الفبای سیریلیک^۳ است که به اقتضای مطابقت آن با زبان فارسی تاجیکی تغییرات مختصری در آن داده شده است. در کشور تاجیکستان، رسماً از این خط برای نوشتن متن فارسی استفاده می‌شود. مجلس تاجیکستان، در سال ۱۹۹۹، نام قانونی زبان این کشور را **تاجیکی** اعلام کرد.

درباره پیشینه جریان تغییر الفبا در تاجیکستان به این توضیح اکتفا می‌شود که مردم تاجیکستان، طی صد سال اخیر، سه شیوه در کتابت زبان خود اختیار کردند: پیش از انقلاب اکتبر خط فارسی؛ پس از آن، تا مدتی الفبای لاتین؛ و سرانجام، خط سیریلیک.

در آغاز قرن بیستم، در بسیاری از کشورهای شرقی از جمله قفقاز و آسیای میانه و حتی ایران، جنبش تغییر خط پدید آمد. پس از تبدیل الفبای عربی به لاتینی در ترکیه، که در مرز آسیا و اروپا قرار داشت و بیشتر از سایر کشورهای شرقی با ممالک غرب و معاف و مدنیت آن تماس حاصل کرده بود، این جنبش قوت گرفت. در نتیجه، پس از انقلاب اکتبر، از سال ۱۹۲۲، جمهوری آذربایجان، تاتارهای روسیه و، کمی دیرتر، بیشتر جمهوری‌های آسیای میانه الفبای لاتینی را در کتابت زبان خود برگزیدند. هدف اساسی تغییر الفبا آن بود که

۳) الفبایی منسوب به قدیس سیریل که اصلاً مشتمل بر ۳۸ حرف مبتنی بر الفبای بزرگ یونانی بود و بعداً ۱۰ حرف به آن افزوده شد. الفبای روسی، بلغاری، و صربی صورت کنونی سیریلی اند. (← دایرةالمعارف فارسی، ۱۳۸۳).

در بین عامه محنتکشان ملیت‌های جمهوری سوسیالیستی شوروی تاجیکستان، که ... خط و سواد عربی داشتند یا عموماً سواد نداشتند، الفبای نو لاتینی شده را، همچون سلاح پر قوت انقلاب مدنی، جاری و برقرار. در کوتاه‌ترین مدت، دانش مدنی عامه محنتکشان را بالا برند و آنان را با مدنیت سوسیالیستی همراه سازند.^۴

طالب وهاب درباره جنبه‌های اجتماعی - زبان‌شناسی رشد زبان ادبی تاجیکی

و آنچه بر این زبان در اوج جریان‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ گذشته است می‌نویسد:

سیاست زبانی دولت توتالیتیر اتحاد جماهیر شوروی سابق، اقتضای آن وجود داشت که همه زبان‌ها و صاحبان آنها حقوق یکسانی داشته باشند. حتی، در زمان حکمرانی نیکیتیا خروشچف، کار به درجه‌ای رسید که می‌بایست همه زبان‌های اتحاد شوروی همگداز شوند و، ضمن آن، زبان واحد عمومی پدید آید - و آن خیال محال و طرحی بی‌نظیر و بی‌سابقه بود. اگر کسی مقابل آن سیاست سراپا غلط سخن می‌گفت، به ملت‌گرایی (ناسیونالیسم) متهم و، در همه جا، در احسان به رویش بسته می‌شد...

سال‌های آخر، در پرتو استقلال کامل جمهوری تاجیکستان این امکان حاصل شد، که درباره مشکلات عملکرد زبان تاجیکی ادبی در دوران شوروی آزادانه اظهار نظر کنیم همه مسائل مربوط به سیاست زبانی روز را بر وفق صلاح و مصلحت اهل زبان حل و فصل کنیم - امری که پیش از آن غیرممکن بود.^۵

(۴) فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، س ۴، ش ۶ (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، اقتباس از روزنامه تاجیکستان سرخ، ش ۱۷۸ (۱۹۲۳/۸/۵).

(۵) جنبه‌های اجتماعی - زبان‌شناسی رشد زبان ادبی تاجیکی (سال‌های ۲۰-۳۰ قرن بیستم)، طالب وهاب‌زاده، نشریات نور معرفت، دوشنبه ۲۰۰۵.

در ایران نیز، طی این سال‌ها، برخی از محققان حوزه‌های زبان‌شناسی و ادبیات تحولات مربوط به این دوره زبان تاجیکی را از نظر گذراندند و یافته‌های خود را منتشر کردند. اما بر آراء آنان درباره غیرعلمی بودن قواعد خط و دشواری فراگیری آن وقعی نهاده نشد و ترجیح داده شد که این قواعد در حافظه رایانه‌ای ثبت و نرم‌افزارهای مبدل‌های خطی از فارسی به سیریلیک و از سیریلیک به فارسی راه‌اندازی شود. این تلاش‌ها همچنان ادامه دارد، درحالی‌که جدایی در امر خط همچنان سدی در مناسبات فرهنگی دو کشور فارسی زبان شمرده می‌شود - سدی که، طی هفتاد سال حکومت شوراها، همچنین در سال‌های پس از استقلال جمهوری تاجیکستان، مهم‌ترین تحقیقات و آفرینش‌های ادبی در قالب کتاب، مقاله، رساله و در انواعی چون فرهنگ، دانشنامه، شعر، و داستان‌کوشوری فارسی‌زبان در پس آن انباشته شده بود و راه ورود آن به تاجیکستان بسته بود. پژوهشگران تاجیک، که غالباً دانش‌آموختگان یا تأییدشدگان دانشگاه‌های مسکو بودند، علاوه بر آنچه در زمان حکومت شوراها زیر نظر مرکز پدید آوردند، پس از استقلال جمهوری تاجیکستان، با لغو شدن برخی ممنوعیت‌ها^۶ و با تمرکز بر تقویت هویت ملی، رویکرد تازه‌ای به زبان فارسی داشتند و مکتوبات خود به زبان تاجیکی و خط سیریلیک را، به دور از بایدها و نبایدهای مرسوم، به خط فارسی بازنویسی کردند همچنین نوشته‌های تازه خود را با، این خط نوشتند.

سیاست‌گذاران فرهنگی هر دو کشور تاکنون به دلایلی - که ذکرش ما را از موضوع اصلی منحرف خواهد ساخت - در امر خط، جنبه‌های سیاسی و راهبرد را بر جنبه‌های اجتماعی و علمی آن برتری داده‌اند. به‌هرحال، مقاومت‌های

۶) برای آگاهی از برخی از این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها، رجوع شود به مصاحبه محمدجان شکوری با محسن شجاعی که در پیشانی (مقدمه) فرهنگ فارسی تاجیکی، (فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶) منتشر شده‌است.

سیاسی مانع دسترسی آسان دو کشور به فراورده‌های کتبی یکدیگر بوده‌است. در این باب، هرچند فرصت‌هایی از دست رفته‌است، به نظر می‌رسد زمان آن رسیده‌باشد که رسمیت خط سیریلیک در تاجیکستان از جانب سیاست‌گذاران فرهنگی ایران به عنوان واقعیت پذیرفته شود و تحقق اندیشه‌های آرمانی به زمانی مساعدتر واگذاشته شود. تاجیکان نیز سزاوار است سودای بهره‌گیری از سرمایه‌های ادب کلاسیک و معاصر و نیز زبان علم ایران امروز را در سر پروراند و بر اندوخته‌های خود بیفزایند.

برای پژوهندگان فارسی‌زبان ایرانی فراگیری قواعد و اصول نگارش زبان فارسی به خط سیریلیک نویسه‌گردانی دو جانبه را میسر خواهد ساخت و یاری‌رسان داد و ستدهای فرهنگی در مقیاسی وسیع‌تر خواهد بود. در واقع، تحقیقات ادبی، زبانی، فرهنگی دو کشور فارسی‌زبان حوزه‌های مشترکی را دربردارد و امری نیست که به مرزهای جغرافی محدود گردد و بتوان به بهانه اختلاف خط از آن چشم پوشید.^۷

نگارنده، در اواخر سال ۱۳۸۷، فرهنگ *املایی خط فارسی به سیریلیک تاجیکی* را، به‌عنوان کتاب راهنمایی برای فراگیری خط نیاکان فراهم آورد و به

(۷) زبان ادبی نوین تاجیک، در مقایسه با فارسی کنونی، ویژگی‌هایی دارد که عموماً در سه جهت تلفظ، دستور، و واژگان مشخص می‌گردد. طی قرن اخیر، زبان فارسی نیز از زبان‌ها و فرهنگ اروپایی عناصری برگرفته و راه خود را از ادبیات سنتی مشترک پیشین تا حدی جدا کرده‌است. با این حال به رغم این دگرسانی‌ها، مشترکات فارسی و تاجیکی، چندان زیاد است که نمی‌توان آن دو را از هم جدا کرد و مسیرهای جداگانه‌ای برای آنها قابل شد.

حتی، در دهه ۱۹۲۰، نام رسمی زبان مشترک در تاجیکستان و افغانستان و ایران همان فارسی بود. تنها در سال ۱۹۲۸ بود که حکومت شوراهای نام آن را به *تاجیکی* تغییر داد در این حال نیز، این زبان، در افغانستان، همچنان فارسی خوانده می‌شد تا آنکه ظاهرشاه، پادشاه پشتون افغانستان، در سال ۱۹۶۴، نام دری بر آن نهاد.

طبع رساند^۸ تا در دسترس همزبانان تاجیکی، قرار گیرد. متن حاضر وسیله‌ای برای گشودن روزه‌ای از این سو در جهت ایجاد موازنه و به منظور تسهیل داد و ستد علمی و فرهنگی ایران و تاجیکستان.

نویسه‌گردانی این متن با بازنویسی یا تصرفاتی در پاره‌هایی از آن همراه شده است تنها به این منظور که فهم آنها برای کسانی که به خط فارسی خوگر گشته‌اند و بخواهند نوشته‌های به خط سیریلیک را بخوانند و بنویسند، آسان گردد. ضمناً، به جای اصطلاحات دستوری و تعبیرات متداول در زبان تاجیکی که برای فارسی‌زبانان ما نامأنوس به نظر رسید متناظر آنها در زبان فارسی معیار امروزی را نشانیدیم. همچنین، در شواهد، معنای واژه‌هایی را که در زبان فارسی معیار امروزی مهجور یا منسوخ و یا غریبه شمرده می‌شوند به دست دادیم. امید است با این خدمت ناچیز مقصودی که از آن در مدّ نظر بوده حاصل گردد.

حسن قریبی

تابستان ۱۳۸۸ شمسی

۸) این فرهنگ، بر اساس دستورخط فارسی مصوّب شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فرهنگ املائی خط فارسی که به همت دکتر علی‌اشرف صادقی و خانم زهرا زندی‌مقدم تدوین شده، به نفقه انتشارات سروش چاپ و منتشر شده‌است.

سر سخن

از زمان تحریر آخرین قاعده‌های اساسی املا‌ی زبان ادبی تاجیک (۱۹۷۲) بیست و پنج سال می‌گذرد. در این مدت، علم و فرهنگ رواج یافت، سطح مدنیت سخن بالا رفت. از جانب دیگر، سرعت گرفتن تدریجی جریانات مردمی در جامعه باعث آن گردید که خادمان مطبوعات و نشریات در کار نگارش آزادی مطلق کسب کنند و در خط متداول تغییرات قابل ملاحظه‌ای وارد سازند. در نتیجه، در شیوه کتابت هرج و مرج روی داد و این، به ضرورت، تجدید نظر در دستور خط را مطرح ساخت. به این منظور، در پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی^۱، فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان^۲، کمیسیون دستور خط تأسیس شد و متخصصان و عالمان پرتجربه و سرشناس پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی و مؤسسه‌های علمی و فرهنگی پایتخت به عضویت آن در آمدند. وظیفه کمیسیون این بود که طرح لایحه املاء زبان تاجیکی را، براساس اسناد حقوقی دولت به‌ویژه قانون زبان و دستاوردهای علم زبان شناسی تهیه و پیشنهاد کند.

به سفارش کمیسیون، این وظیفه را زبان‌شناسان پژوهشگاه مذکور، ش. رستم‌اف (۱۹۳۱-)، زبان‌شناس و لغوی و ع. میرزایف (۱۸۶۹ - ۱۹۷۰)، شاعر و رئیس بخش خاورشناسی فرهنگستان علوم تاجیکستان و مشاور سفارت شوروی در ایران طی سال‌های ۱۹۴۲-۱۹۴۴، انجام دادند.

(۱) ابتدا، در سال ۱۹۳۲، پژوهشگاهی با نام «انستیتوی زبان، تاریخ، و ادبیات» تأسیس شد. متعاقباً، در ۱۴ آوریل ۱۹۵۱، «انستیتوی زبان و ادبیات» و «انستیتوی تاریخ» از یکدیگر جدا شدند. در جشن ۱۱۰۰ سالگی رودکی (سال ۱۹۵۸) «انستیتوی زبان و ادبیات» به نام رودکی خوانده شد. نخست، چاپ کتابهای درسی جزو اصلی‌ترین وظایف این پژوهشگاه بود و کتاب‌های درسی «نمونه ادبیات» و «الفبا و دستورزبان» از نخستین انتشارات آن شد. آموزش تاریخ زبان، طبقه‌بندی دستور زبان، پژوهش در لهجه‌های زبان تاجیکی، تألیف لغت‌نامه‌های تفسیری و دو زبانه، اسلوب‌شناسی و بررسی نظریه زبان‌شناسی، وضع اصطلاحات، تحقیق در مباحث متعلق به شعر، آموزش تطبیقی زبانهای تاجیکی و روسی، گردآوری و نشر آثار مردمی، تحقیق در انواع فرهنگ مردم (فولکلور)، جستجوی میراث و متون ادبی و آماده ساختن آنها برای چاپ، پژوهش جداگانه آثار ادبیات کلاسیک و شوروی، مسائل مربوط به ادبیات تطبیقی از اموری بودند به طور جدی وارد برنامه کاری انستیتو گردیدند.

(۲) فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان عمده‌ترین مرکز و عالی‌ترین مرجع علمی این جمهوری است و، در مؤسسات و شعبات خود، دانشمندان مشهور تاجیکستان را زیر پوشش دارد. این فرهنگستان از اعضای پیوسته و وابسته تشکیل می‌شود که پژوهشهای عمده در رشته‌های علوم طبیعی و جامعه‌شناسی و تنظیم مطالعات علمی در قلمرو جمهوری از جمله وظایف آنان است.

کمیسیون، با شرکت همه اعضا، در جلسات پی‌درپی خود در طی یک سال، لایحه املا را بررسی و تدوین کرد و به حکومت جمهوری تاجیکستان عرضه داشت. بدین‌سان لایحه املا بر اساس اصول آرایبی و صرفی و تاریخی مدون گردید. در قواعد اساسی (۱۹۷۲)، از مطابقت آوا و حرف در چند مورد صرف نظر شده بود. در الفبا، حرف‌هایی وجود داشتند که متناظر با چند آوا نه یک آوا بودند. در عوض، متناظر بعضی از واج‌های زبان تاجیکی حرفی وجود نداشت. بعضی حرف‌ها از حرف‌های همگون خود دور افتاده بودند. برای بعضی واحدهای زبان ادبی تاجیک، قواعد نوشتاری معین و مدونی وجود نداشت. این نقصان‌ها و کمبودها در تعلیم زبان تاجیکی و تلفظ ادبی تحریف و فهم نشدن نوشته را باعث می‌شدند و جریان تدریس زبان را در مکتب‌ها دشوار می‌ساختند. در لایحه املا این کمبودها تا حد امکان اصلاح شدند.

حکومت به منظور آماده ساختن لایحه املا برای بررسی نظرخواهی عام، گروه کاری مرکب از خسکش‌اف (رئیس)، م. شکوری بخارایی (۱۹۲۶-)، عضو آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران، م. لطف‌الله اف، و ب. کمال‌الدین اف، که طی سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۱ رهبری کرسی زبان و ادبیات تاجیک را برعهده داشت (اعضا) سازمان داد. این گروه کار، با شرکت تهیه‌کنندگان، لایحه املا را بند به بند بررسی و تصحیح و تکمیل کرد. سپس کمیسیون تطبیق قانون زبان حکومت جمهوری تاجیکستان آن را از طریق روزنامه‌های صدای مردم (۱۹۹۵/۸/۱۹)، جمهورییت (۱۹۹۵/۸/۲۶) و آموزگار (۱۹۹۵/۹/۱) به معرض نظرخواهی عام گذاشت که مهلت آن دوره به دوره تا ۲۰ اوت ۱۹۹۶ تمدید شد.

در جریان بررسی، دانشمندان، نظر خود را درباره لایحه از طریق رادیو و تلویزیون، و روزنامه‌های ناحیه‌ای و ولایتی و جمهوری ابراز داشتند. وزارتخانه‌ها، حکومت‌های نواحی، پژوهشگاه‌های علمی و فرهنگی، و افراد پیشنهاد و درخواست‌های خود را به نشانی کمیسیون تطبیق قانون زبان جمهوری ارسال داشتند.

گروه کاری همه پیشنهادها و درخواست‌های رسیده را به دقت بررسی کرد و، با توجه به آنها لایحه را تنظیم و به کمیسیون تطبیق قانون زبان جمهوری تاجیکستان عرضه داشت. کمیسیون، پس از بررسی لایحه، آن را برای تصویب به حکومت جمهوری تاجیکستان پیشنهاد کرد.

دستور خطّ فارسی تاجیکی

الفبا و ترتیب و نام حرف‌ها

۱. الفبای زبان تاجیکی شامل ۳۵ حرف است ترتیب و نام حرف‌ها به شرح زیر است:

شماره	حروف چابی بزرگ و کوچک	حروف دستی بزرگ و کوچک	آوانگار	معادل فارسی
۱	A a	A a	[a]	الف؛ زیر (فتحه)
۲	Б б	Б б	[b]	ب
۳	В в	В в	[v]	و واو معروف، و واو مسکون، و واو مجهول (ضمه)
۴	Г г	Г г	[g]	گ (گاف)
۵	Ғ ғ	Ғ ғ	[g̣]	غ (غین)
۶	Д д	Д д	[d]	د (دال)
۷	Е е	Е е	[e]	ی (یا) مجهول زیر (کسره)
۸	Ё ё	Ё ё	[yo]	ی (یا) مسکون
۹	Ж ж	Ж ж	[zh]	ز
۱۰	З з	З з	[z]	ذ؛ ز؛ ض؛ ظ
۱۱	И и	И и	[i]	ی (یا) مجهول، معروف، زیر (کسری)
۱۲	Й й	Й й	[ī]	ی (یا)
۱۳	Ў ў	Ў ў	[y]	ی (یا) مسکون
۱۴	К к	К к	[k]	ک (کاف)

ق (قاف)	[q]	Қ қ	Қ қ	۱۵
ل (لام)	[l]	Л л	Л л	۱۶
م (میم)	[m]	М м	М м	۱۷
ن (نون)	[n]	Н н	Н н	۱۸
آ (الف ممدوده)	[o]	О о	О о	۱۹
پ	[p]	П п	П п	۲۰
ر	[r]	Р р	Р р	۲۱
ث، س، ص	[s]	С с	С с	۲۲
ت، ط	[t]	Т т	Т т	۲۳
و (واو) معروف پیش (ضمه)	[u]	У у	У у	۲۴
و (واو) مجهول	[ū]	Ū ū	Ū ū	۲۵
ف	[f]	Ф ф	Ф ф	۲۶
خ	[kh]	Х х	Х х	۲۷
ه: ح (های هوت) (حای جیمی)	[h]	Ҳ ҳ	Ҳ ҳ	۲۸
چ (جیم)	[č]	Ч ч	Ч ч	۲۹
چ (جیم)	[j]	Ҷ ҷ	Ҷ ҷ	۳۰
ش (شین)	[sh]	Ш ш	Ш ш	۳۱
ع (عین)	[ʼ]	Ъ ъ	Ъ ъ	۳۲
ی + ا	[ie]	Э э	Э э	۳۳
ی	[y]	Ю ю	Ю ю	۳۴
ی + هـ	[ya]	Я я	Я я	۳۵

املاى بعضى مصوّت‌ها

۲. هجای «ای» (И) با دو حرف نشان داده می‌شود: «--» (نشانه اضافه) (И) و «ای» (И-И) تکیه‌دار

حرف И در موارد زیر می‌آید:

الف) در اول و وسط کلمه مانند:

ابا(Ибо)، اداره (Идора)، انشا (Иншо)، گرفتن (гирифтан)، دويدن (давидад)، خنديد (хандид)، کتاب (китоб)، امرالدين (амруддин)، فضل‌الدین (фазлуддин)، نورالدین (нуруддин).

ب) در آخر حرف اضافه مرکب، حرف ربط (به جای نشانه اضافه) و آداتی مانند که (ки)، چه (чи) نیز پس از حروف اضافه ساده و مرکبی که با که و چه ساخته شده باشند می‌آید:

از سبب (аз сабаби)، هنگام (ҳангоми)، موافق (мувафи)، مثل (масли)، بلکه (балки)، ازبس که (азбаски)، کاشکی (кошки)، هرچه (ҳарчи)، وقتی که (вақте ки)، هنگامی که (ҳангоме ки)، چه شما و چه من (чи шумову чи ман)، رویم-چی^۱ (равим-чи)، سرکنید-چی^۲ (саркунид-чи) و امثال آنها؛

ج) در آخر کلمه وابسته (موصوف و مضاف در ترکیب‌های وصفی و اضافی) مانند حرف ربط یا نشانه اضافه:

گلِ بادام (гули бодом)، نسیم کُھسار (насими куҳсор)، پندِ مردِ فاضل (пани марди фозил)، برادرِ دوستِ نزدیکِ من (бародари дӯсти наздикиман).

(۱) محاوره‌ای برویم بینیم چی خبر است. یا برویم که چی بشود.

(۲) محاوره‌ای شروع کنید.

در کلماتی از نوع واژه‌های زیر، اگر مصوّت И به صورت هجای کشیده هم تلفظ شود، حرف И نوشته می‌شود:

- در واژه‌های پیر (пир)، سیر (сир)، تیر (тир)، میر (мир)، دید (дид)، شیر (шир)، ریش (риш)، سیم (сим)، گیر (гир)، فیل (фил)، شیشه (шиша)، تیره (тира)، زیره (зира)، سینه (сина)، خیره (хира)، کینه (кина)، بینا (бино) (بینده)، شیرین (ширин) و امثال آنها؛

- در پسوندهای -ин و -ик :-

سنگین (сангин)، آهنین (оҳанин)، چوبین (чӯбин)، خونین (хунин)، دیرین (дерин)، زیرین (зирин)، شیرین (ширин)، تاریک (торик)، نزدیک (наздик)؛

- در کلمات دخیل از عربی بر وزن فعلیل و تفعیل:

فقیر (фақир)، حکیم (ҳаким)، رحیم (раҳим)، عزیز (азиз)، بصیر (басир)، شریک (шарик)، تحریر (тахрир)، تجلیل (таҷлил).

۳. حرف Й (-и) تکیه‌دار فقط در آخر کلمه و در موارد زیر می‌آید:

الف) در کلمه‌هایی که هجای آخرشان تکیه‌بر است، مانند

شاهی (шоҳӣ)، ماهی (моҳӣ)، شالی (шолӣ)، دشتی (даштӣ)، آبی (обӣ)، خجندی (хучандӣ)، عسکری [= خدمت سربازی] (асқарӣ)، نوسازی (навсозӣ)، تاکسی (таксӣ)، تُفلی [روسی = کفش] (туфлӣ)، خصوصی (хусусӣ)، ابروری [روسی :] (ибарурӣ)، تبلیسی [تفلیس] (تبلیسӣ)، بتومی (батумӣ)؛

ب) شناسه‌های فعلی و پی واژه -ی (= هستی) حتی اگر بدون تکیه باشند،

برای متمایز شدن از نشانه اضافه، به Й نوشته می‌شوند:

تو آمدی (ту омадӣ)، تو گرفتی و آمدی (ту гирифтӣ ва омадӣ)،
تو کارگری (ту коргарӣ).

۴. حرف Y (واو معروف و ضمّه) در موارد زیر می‌آید:

الف) در آغاز، بین و آخر کلمه مانند:

استوار (устувор)، استخوان (устухон)، بزرگ (бузург)، درست
(дуруст)، تو (ту)، بانو (бону)، زانو (зону)، دارو (дору)،
پهلوی (пахлу)، آرزو (орзу)، آلو (олу)، آرو [محاوره‌ای = زنبور]
(ору)؛

ب) کلمه‌های زیر به جهت تکرار استفاده^۳ با حرف Y نوشته می‌شوند مانند:

ترجمه (тарҷима)، خسروانی (хусравонӣ)، خسرو (хусрав)؛

ج) پس از حرف تعریف در کلمه‌های مرکب دخیل از عربی مختوم به

صامت Y نوشته می‌شود:

عبدالله (абдуллоҳ)، عبدالملک (абдумалик)، عبدمنان (абдуманнон)،
منطق الطیر (Мантикуттайр)، روضة الصفا (равзатуссафо)،
ماوراءالنهر (Мовароуннаҳр)، ملک الشعرا (маликушшуарو)؛

در کلمه‌هایی از نوع زیر، اگر مصوت Y کشیده تلفظ شود، حرف Y نوشته

می‌شود:

دود (дуд)، دور (дур)، خون (хун)، دون (дун)، آهو (оҳу)، زانو
(зону)، آلو (олу)، بانو (бону)، درون (дарун)، بیرون (берун) و

غیره.

۳) عنعنه: از گفتار چند نفر به ترتیب واقعه‌ای یا روایتی را نقل کردن.

۵. حرف \bar{y} (واو مجهول) در اول، میان، و آخر کلمه می آید:
 اوگی [ترکی: غیرخونی؛ دختر اوگی = دختر اندر] (\bar{y} гай) اویماق [ترکی -
 مغولی: قبیله، ایل] (\bar{y} ймок)، زور (\bar{z} ур)، دوست (\bar{d} уст)، سوخته
 (\bar{s} ухта)، گلو (\bar{g} улӯ)، بو(ی) (\bar{b} ӯ(й)) رو(ی) (\bar{r} ӯ(й)) مو(ی)
 ((\bar{p} ӯ(й)))).

۶. هجای ای (ا کشیده) \bar{e} با دو حرف نوشته می شود: \bar{e} و \bar{e}
 الف) حرف \bar{e} در اول کلمه نوشته می شود:
 ایشان (\bar{e} شان)، ایدر [= اینجا] (\bar{e} дар)، ای (\bar{e} й)، ایلک [= آردبیزک]
 (\bar{e} лак)، ایرگش [؟] (\bar{e} ргаш)، ایب [محاوره ای: موافق، مناسب، سزاوار،
 درخور] (\bar{e} б)، ایجاد (\bar{e} чод)، احسان (\bar{e} хсон)، اعتبار (\bar{e} йтибор)،
 ایضاح (\bar{e} зоҳ)؛

املائی حرف \bar{e} در ترکیب های نوع زیر همچنان رعایت می شود:
 بی ایضاح (\bar{b} еззоҳ)، بی اعتبار (\bar{b} езътибор)، بی احتیاط (\bar{b} еэштиёт)،
 بی اعتماد (\bar{b} езътимод)، بی احترام (\bar{b} еэхтиром)، سیم الک [= غربال
 سیمی] (\bar{s} имэлак)؛

ب) حرف \bar{e} در میان و آخر کلمه می آید:
 سیر (\bar{s} ер)؛ بیل (\bar{b} ел) سفید (\bar{s} афед)، شمشیر (\bar{s} амшер)، بیده
 [علف خشک؛ یونجه] (\bar{b} еда)، شنبه (\bar{s} анбе)، مهر (\bar{m} ехр)، محنت
 (\bar{m} ехнат)؛

ج) بن مضارع دادن و نهادن با حرف \bar{e} (\bar{n} ех، \bar{d} ех)، ولی شکل های تصریفی
 آنها با حرف \bar{n} نوشته می شود:

می دهم (\bar{m} едехам)، می نهم (\bar{m} енехам)، می نهادم (\bar{m} енеходам).

املای بعضی صامت‌ها

۷. حرف «ژ» ж در آغاز، میان و آخر کلمه می‌آید:

ژاله (жола)، ژرف (жарф)، ژولیده (жӯлида)، آژدر (аждар)، نژاد (наход)، پژوهش (пажӯҳиш)، اژدهار (аждахор)، لغزیدن [گونه‌ای از (лағжидан)]، کژدم (каждум)، باژ [گونه‌ای از (бож)]، دژ (диж)، ژنر [= نوع ادبی] (жанр)، ژرگان [از فرانسۀ jargon] (жаргон).

۸. حرف «یی» [ey] й در مواردی زیر می‌آید:

الف) در اول، میان و آخر کلمه:

ئیگیت^{**} (йигит)، یورغه (йӯрға)، چای (чай)، وی (вай)، جای (ҷой)، کی (кай)، رای (кай)، کیهان (кайҳон)، میدان (майдон)، ایوان (айвон)، ایام (айём)، عیّار (айёр).

ب) اگر حرف й پیش از مصوّت‌های а، у، о، е بیاید، به‌جای آن دو، یکی از حروف یات بر سر^{***} نوشته می‌شود (е= е+й، ё= о+й، ю= у+й، я= а+й):
یکجایه (якҷоя)، یوسف (Юсуф)، دریا (дарё)، پایه (поя)، جای‌ونان (ҷою нон)، یاروبرادر (ёру бародар)، روی دلکش (роё дилкаш).

ج) حرف й در میان و آخر کلمه و بین دو مصوّت، به‌جای й (ی) با همین تلفظ، п نوشته می‌شود:

* این بند را ظاهراً نمی‌توان از قواعد دستور خط شمرد؛ چون، در مورد حرف «گ» Г و امثال آن نیز می‌توان نظیر آن را آورد.

** (ترکی)، پسر جوان به‌قد رسیده؛ باسمه‌چی (باسمه‌چی‌ها کسانی بودند که ضدّ انقلاب، در سال‌های اوّل پس از انقلاب اکتبر، برای مبارزه مسلحانه بر ضدّ حاکمیت شوروی سازماندهی شده بودند).

*** حروف یات بر سر در خط تاجیکی ё، я، ю هستند که به ترتیب ی، ی، یو تلفظ می‌شوند.

برای (барои)، خانهٔ نو (хонаи нав)، چارهٔ بیچارگان
(чораи бечорагон)، ماهی طلا (моҳи тилло)، شورای دیبه
(шӯрои дерینه) (орзуи дерина).

اما واژه‌هایی که به صورت تاریخی در ترکیب خود همخوان **Й** دارند، از این قاعده استثنا می‌شوند:

چایی (چایی کبود) (чойи кабуд) نای (نای راست) (нойи рост)
موی (موی سفید) (муӣи сафед) روی (روی زیبا) (руӣи зебо).

۹. صامت «ن» **Н** پیش از صامت «ب» **Б**، «م» **М** تلفظ می‌شود:

شنبه (شانбе)، انبار (анбар)، انبار (анбар)، زن‌بر [زنبه] (занбар)،
سنبوسه (санбӯса)، زنبور (занбур)، انبر (анбӯр)، پنبه (пунба)،
سنبل (сунбул)، سنبل (танбул)، تنبور (танбур)،
دنبه (дунба).

۱۰. در کلمه‌های دخیل روسی از به جای حرف **Ц** «ТС»، حرف **С** (پیش از مصوت و در میان کلمه پس از صامت) و **ТС** (در میان کلمه بین دو مصوت) نوشته می‌شود:

سمنت (семент)، سِرک [سیرک] (сирк)، سزار (сезор)، سِکلان
[گردباد] (сиклон)، کانسرت [کُنسرت] (коесрт)، لیکسیه [= lecture
انگلیسی، سخنرانی درسی] (лексия)، داتسینت [= عنوان علمی معلم مکتب
عالی] (дотсент)، کانستیتوتسیه [= constitution انگلیسی، قانون اساسی]
(конститутсия).

۱۱. حرف (Ъ) در میان و آخر کلمه‌های دخیل عربی به جای عین و همزه نوشته می‌شود:

اعلا (аъло)، بعضی (баъзе)، مسئول (масъул)، مسئله (масъала)، مؤمن (муъмин)، بیع (байъ)، جمع (чамъ)، رفع (рафъ)، موضوع (мавзуъ)، نوع (навъ)، مطبوع (матбуъ).

در واژه‌های مختوم به صامت «عین» (Ъ)، اگر حرف نشانه اضافه یا حرف ربط هم قبول کرده باشد، املائی حرف عین (Ъ) حفظ می‌شود:

بیع کار (байъкор)، جمع مردم (чамъи мардум)، رفع مشکلات (рафъи мушкилот)، نوع خربزه (навъи харбуза)، شمع و پروانه (шамъу парвона)، طبع و نشر (табъу нашр) و غیره.

اما بین دو مصوت حرف «عین» (Ъ) نوشته نمی‌شود:

موضوع بحث (мавзуи баҳс)، طلوع آفتاب (тулуи офтоб)، شروع کار (шуруи кор)، مجموعه اشعار (маҷмуа ашор)، طعام (таом).

نکته: واژه‌های فعالیّت فاؤلّیات و تعیین таъин از این قاعده استثناء هستند.

۱۲. املائی و امواژهای اروپایی به قاعده زیر است:

هرگاه ساختار هجای و امواژه با ساختار هجای زبان تاجیکی موافقت نداشته باشد، حرف ناموافق (یا زیادتی) حذف یا به حرف موافق تاجیکی تبدیل می‌شود:

پامیشک [مالک، زمین‌دار] (помешик)، شارس [اسم خاص] (щорс)، ژمپر [لبوز، لباس زمستانی] (жемпер)، بیکائوسکی [اسم خاص] (вазилин)، پنل [= معادل panel (بیکووسکی)]، وزلین [وازلین] (панел)، سوژت [= سوژه معادل sujet فرانسسه] (сужет)، نایئر [انگلیسی] (ноябр)، سیتی یئر [سپتامبر] (сентябр)، آکتی یئر [اکتبر]

(октябрь)، نیوتان (نیوتون)، فیلیتان [نوعی ادبی در طنز] (фелетон)،
 اوتامایل [اتومبیل] (автомобил).

۱۳. املای مصوت‌های تشدیددار بر پایه اصول تاریخی نوشته می‌شود:

الف) تشدید مصوت اساساً خاص واژه‌های دوهجایی و سه‌هجایی است:
 اگه [نوعی پرنده دم دراز از جنس غاز] (айкка)، تگه (тикка)، ازه
 (арра)، پرّه (парра)، لته (латта)، نشه [نشئه] (нашша)، کله
 (калла).

ب) در واژه‌های دخیل عربی صامت مشدّد معمولاً در کلماتی بر وزن‌های
 فعال، افتعال، مفتعل، تفعّل، متفعّل، مفعّل می‌آید:

رزاق (раззоқ)، نجّار (наҷқор)، اطلاع (иттилоъ)، اتّفاق
 (иттифок)، اتّحاد (иттиҳод)، متّحد (муттаҳид)، متّفق
 (муттафіқ)، تشبّث (ташшуб)، تحوّل (тахавул)، تنزّل
 (танзул)، متکبّر (مутаққаббір)، متحیر (مутаҳаййир)، معظم
 (муаззам)، منقّش (мунаққаш).

ج) صامت آخر واژه‌هایی چون:

درّ (дур)، کلّ (кул)، ضدّ (зид)، قدّ (қад)، سرّ (сир)، خطّ (хат)،
 فنّ (фан)، حدّ (ҳад).

که به صورت تاریخی مشدّدند، در ترکیب‌های وصفی و اضافی با تشدید (مکرّر)
 نوشته می‌شوند:

دُرّ نایاب (دورری ноёб)، کلّ مردم (кулли мардум)، ضدّ دشمن
 (зидди душман)، قدّ رسا (қадди расо)، سرّ حربی
 (сирри ҳарбӣ)، خطّ خوانا (хатти хоно)، فنّ زبان

(фанни забон)، حدّ اقل (ҳадди ақал)، اصطلاح فنى
(истилоҳи фанӣ)، کار خطى (кори хатт).

بردن پاره‌ای از واژه به سطر دیگر*

۱۴. بردن پاره‌ای از واژه به سطر دیگر با رعایت قاعده زیر انجام می‌گیرد:

الف) اجزای هجا در یک سطر قرار می‌گیرند و از هم جدا نمی‌شوند:

باد-بان (бод-бон)، ب-را-در (ба-ро-дар)، باغ-بان (боғ-бон)،

خانه (хо-на)، دوس-تی (дӯ-стӣ)، ت-ب-س-سم (та-бас-сум)،

مع-روف (маъ-руф)، اع-لا (аъ-ло)، اع-لان (эъ-лон).

ب) اگر هجای آغازین از یک حرف تشکیل شده باشد با هجای بعدی همراه

می‌گردد و تنها نمی‌ماند:

عرا-به (аро-ба)، آوا-زه (ово-за)، آرا-می (оро-мӣ)، [ع-رابه

(аро-ба)، آوازه (о-воза)، آرا-می (о-ромӣ)]. آوردن نیمخط در

پایان سط اول الزامی است.

املاى اسم

۱۵. اسم‌های از انواع زیر دو صورت نوشتاری دارند:

الف) اسم‌هایی که به مصوّت X ختم می‌شوند:

رَه-راه (рах-роҳ)، چه-چاه (чаҳ-чоҳ)، مَه-ماه (мах-моҳ)،

کَه-کاه (ках-коҳ)، گَه-گاه (гах-гоҳ)، رَوَبَه-روباہ (рӯбах-рӯбоҳ)،

سِيَه-سیاه (сияҳ-сиёҳ).

* احتمالاً این کار با امکانات حروف چینی رایانه‌ای در صفحه‌آرایی منتفی می‌گردد.

اما واژه‌هایی چون

خواه (ХОҲ)، اصلاح (ИСЛОҲ)، گواه (ГУВОҲ)، مداح (МАДДОҲ)،
 مزاح (МАЗОҲ)، صفرماه [اسم زنانه تاجیکی برای دختری که در صفر متولد شده
 باشد؛ برهمن قیاس در ماههای دیگر قمری] (САФАРМОҲ)، جنگ‌خواه
 (ЧАНГҲОҲ)، اشتباه (ИШТИБОҲ).

یک صورت نوشتاری دارند.

ب) واژه‌هایی که به صامت Й ختم می‌شوند:

روی-رو، (рҮ--рҮЙ) موی-مو (мҮ-мҮЙ)، کوی-کو (кҮ-кҮЙ)،
 جوی-جو (ҶҮ-ҶҮЙ)، پوی-پو (пҮ-пҮЙ)، سرای-سرا (сарой-саро)،
 شوی-شو (шҮ-шҮЙ)، آی-آ (о-ой).

اما واژه‌هایی مانند

بای [ترکی: ثروتمند] (бой)، پای (пой)، رای (рой)، سای (сой)

یک صورت نوشتاری دارند.

اسم‌هایی چون:

ارمغان-ارمغان (армуғон-армағон)، ارغوان-ارغوان
 (арғувон-арғавон)، گوسفند-گوسفند (гусфанд-гуспанд)،
 درفش-درفش (дурфиш-дурфиш)، نخجیر-نخجیر
 (нахчир-нахчир)، هیچ-هیچ (хеч-хеч)، فیل-فیل (фил-фил)،
 فیروز-پیروز (пирӯз-фирӯз)، سؤال-سؤال (сувал-суол)،
 سپید-سفید (сафед-сафед)، چار-چار (чор-чор).

* آنچه ذیل بند ۵ آمده پدیده‌هایی زبانی‌اند و به کتابت مربوط نمی‌شوند. دو صورت واژه هر کدام تلفظ خاص خود را دارند و چنان نیست که برای یک تلفظ دو صورت نوشتاری داشته باشیم.

۱۶. پیوسته نوشته می شود:

(الف) حرف تعریف ال (al)

القصة (الکيسسا)، البيروني (البيرونِي)، الخوارزمي (الخورازمِي)،
الوداع (الويدو)، الحذر (الخازار)، الغياث (الغيث)، الغرض
(الغراز).

(ب) اسم های مرکبی که از دو یا چند واژه ساخته شده باشند:

گلدسته (گولداستا)، صدبرگ (سadbarg)، گردنبند (گاردانباند)،
پدرعروس (پاداراروس)، سرفرمانده (سarfarmondeh)، خويشتن شناس
(خهشتانشينو)، زنبور عسل پرور (زانبوراسالپاروار).

(ج) اسم های پیوسته که با پسوند «ی» -И- «گی» -ГИ- ساخته شده باشند:

سنگ آسیا تراشی (سانگيوسيетароши)، پخته آب دهی [یه پنه آب دادن]
(пахтаобдихи)، صدسالگی (سادسالاги)، دودلگی [دو دل بودن]
(دودالиги).

هرگاه با پسوند «ی» -И- «گی» -ГИ- ترکیبی شامل چند واژه بسیط ساخته
شده باشد، تنها آخرین واژه با پسوند سرهم نوشته می شود:

بیست و پنج سالگی (بисту панҷсолагӣ)، دوصدوسی ونه سالگی
(дусадусиву насолагӣ)، دو هزار و پنج صد و پنج سالگی
(ду ҳазору панҷсаду панҷсолагӣ).

(د) حاصل مصدر که با پسوند «ی» -И- همچنین اسم آلت که از ترکیب فعل
و پسوند «اک» -ак- ساخته شده باشند:

پیشوازی (پهشوازگیری)، کارسازی (کورسوزی)، نوسازی
(نوصوزی)، مویچینک (موشینک).

ه) اسم‌هایی که از ترکیب عدد و اسم و پسوند ساخته شده باشند:
 سی‌برگه (сибарга)، چارکنجه (чоркунҷ)، دوآبه [ملتقای دو رود یا دو
 شط] (дуоба)، چارگوشه (чаҳоргуша)، سه پایه (сепопя).
 و) اسم‌های مرکب که با حرف عطف «و» -у/ -ву- یا ستاک‌ساز -а - (ه -) ساخته شده باشند:

گفت‌وشنود (гуфтушунид)، گفت‌وگو (гуфтугӯ)، رفت‌وآمد
 (рафтуомад)، گیراگیر (гирогир)، دواو (даводав)، خیزاخیز
 (хезохез).

ز) اسم‌های مرکبی که از عبارت‌های وام‌گرفته از عربی با حرف تعریف الـ (ал) ساخته شده باشند:

ملک‌الشعرا (маликушшуаро)، ماوراءالنهر (Мовароуннаҳр)،
 دارالفنون (дорулфунун)، روضة‌الصفاء (равзатусафа)، دُرالمجالس
 (دуррулмаҷолис).

۱۷. با نیم‌خط نوشته می‌شود:

الف) اسم‌های با شناسه (مخلص، صفت) عددی:

هزارسالگی زادروز ابوعلی ابن‌سینا (1000-солагии зодрузи Абуали ибни Сино)،
 پنج‌سالگی استقلال جمهوری تاجیکستان (5-солагии истиклоли Ҷумҳурии Тоҷикистон)،
 هزارسالگی شاهنامه ابوالقاسم فردوسی (1000-солагии Шохномаи Абулқосими Фирдавси).

ب) اسم‌های مرکب از مقوله نام‌آواها:

گلدرد-گلدرد [صدای رعد] (гулдур-гулдур)، گم-گم [گرومپ گرومپ]
 (гум-гум)، چر-چر [جیک‌جیک گنجشک و نظایر آن] (چیر-چیر)،
 قَر-قَر [غار غار] (қар-қар)، ملت-ملت [= اسم صوت] (милт-милт)،
 یلت-یلت [= سوسوی نور] (ялт-ялт).

نام آوا با پسوند:

پَرپَرک (парпарак)، فَرفِرک (фирфирак)، شَرشَره (шаршара)،
غَرغَره (қарқара).

(د) اسم‌های خاص مرگب خارجی:

ولگا-دان (Вулго-Дон)، یاشقر-آلا (Ёшқар-Ола)، کاستاریکا
(Косто-Рико)، نیویورک (Нию-Ёрк)، پورٹ آر تور (Пурт-Ортур)،
سن مارینا (Сан-Морино)، ریو دوژانرو (Риё-де-Жонейро).

۱۸. جدا نوشته می‌شوند:

(الف) ترکیب‌های عطفی با حرف عطف، «و» -у :

افت و اندام (уфту андом)، گوشت و ناخن (нохун гушту)، مال و حال
(молу хол)، عشق و هوس (ишқу хавас)، آب و هوا (обу ҳаво)،
شأن و شرف (шаъну шараф)، سعی و کوشش (саъю кушиш).

استثنا ترکیب‌هایی مزجی چون

آب و تاب (обутоб)، سروتن (сарутан)، سرولباس (сарулибос)،
سروپا (сарупо)، سروکار (саруқор).

(ب) اجزای نام‌های جغرافیایی که از ترکیب عطفی تشکیل شده باشند و معنای
لغوی آنها حفظ شده باشد و دارای یک تکیه بر باشند:

ورزاب بالا [ناحیه‌ای بیلاقی در هشت کیلومتری شهر دوشنبه]
(Варзоби Боло)، آسیای مرکزی (Осиёи Марказӣ)، سرخاسار
[ناحیه‌ای کوهستانی در جنوب تاجیکستان] (Сари Хосор)، آسیای جنوبی
(Осиёи Ҷунбӣ)، شرق دور (Шарқи Дур)، قلعه لب آب
(Қалъа Лоби Об) راستا و دان [رُستای دُن، نام ناحیه‌ای در روسیه]
(Ростови Дон)، سیبری شرقی (Сибири Шарқӣ).

تبصره: هرگاه معنای جزء دوم این نوع اسم‌ها مبهم یا گم شده باشد و ترکیب یک تکیه برداشته باشد پیوسته نوشته می‌شوند:

کان بادام [نام شهری در استان سُغد] (Конибодом)، شهرنو [ناحیه‌ای در حومه دوشنبه] (Шахринав)، شهرسبز (Шахрисабз)، شهرتوس (Шахритус)، موج گُل (Мавчигул)، سروناز (Сарвinoз)، مردخدا (Мардихудо)، حسن گل (Ҳасангул).

ج) اسم‌های با ترکیب اضافی:

انگور دل کفتر [نوعی انگور] (ангур дили кафтар)، اسپ گل بادام [گونه‌ای نژادی از اسپ] (оспи гули бодом)، اطلس ابر بهار [نوعی پارچه نخی از جنس اطلس] (атласи абри баҳор)، گل عاشق پیچان [نوعی گل پیچ] (гули ошиқ печон)، گل نماز شام [نوعی گل که به هنگام غروب می‌شکند] (гули намоз шом)، زردالوی رُخ جانان (зардолуи рухи ҷонон)، ساتن گل گندم [نوعی ساتن (پارچه)] (сатини гули гандум).

د) ترکیب دو اسم:

مکتب ایترنتی [مدرسه پرورشگاهی] (мактаб интернат)، واگن رستوران (вагони ресторан)، مَخَنیکِی راننده [= راننده مکانیک] (механики ронанда)، مهندسی ساختمان (муҳандиси сохтмон).

۱۹. عناوین و القاب به صورت‌های زیر نوشته می‌شوند:

الف) عنوان همراه نام صاحب عنوان، خواه پیش از نام صاحب عنوان بیاید خواه پس از آن، با حرف کوچک و جدا نوشته می‌شود:

امیر تیمور (амир Темур)، میرزا شریف (мирзо Шариф)، شاه عباس (шох Аббос)، رضوان پادبان (Ризвони подабан)، سلیم

پهلوان (Салими паҳлавон) شاکرِ معلّم (Шокири муаллим)،
نبی میراب (Набии мироб).

تبصره: هرگاه اسم خاص مضاف بدون نشانه اضافه آمده باشد پیوسته نوشته می شود:

احمد مخدوم (Аҳамдмахдум)، یولداش کامندر (Юлдошқомндир)،
سلیم پهلوان (Салимипаҳлавон)، شریف میرآخور (Шарифмирохӯр).
ب) عناوین خویشاوندی و القاب محترمانه خویش و تباری، هرگاه بدون
نشانه اضافه باشند، پیوسته به نام صاحب عنوان نوشته می شوند:

اکه شریف [برادر شریف] (Акашариф)، بابامراد (Бобомурод)،
بی بی عایشه (Бибиоиша)، هاشم بابا (Ҳошимбобо)، شرافت خدا
(Тамарахонум)، تامارا خانم (Шарофатхудо).

ج) عناوین و القابی که با نشانه اضافه با اسم خاص آمده باشند با حرف
بزرگ و جدا نوشته می شوند:

اکبر میرگن [= اکبر شکارچی] (Акбари Миргин)، بهرام گور
(Баҳароми Гӯр)، مخدوم گاو (Маҳдуми Гов)، محرم غرچ
(Муҳаррами Ғарч)، هیئت گرگ (Ҳаити Гург).

۲۰. نام و نسب به صورت های زیر نوشته می شود:

الف) با نشانه اضافه:

جاوید عارض (Ҷовиди Ориз)، سینای کریم حاتم (Синои Карими Ҳотам)،
حسین واعظی کاشفی (Ҳусейн Воизи Кошифӣ)، ملکه فتح الدین
ابوالکریم (Малики Фатхуддин Абулқарим).

ب) اسم های خاص بدون نشانه اضافه:

بازار صابر (Бозор Собир)، غفار میرزا (Ғафор Мирзо)، رحیم
جلیل (Раҳим Ҷалил)، حکیم کریم (Ҳаким Карим).

ج) با پسوندهای «ی» (-й)، «زاده» (-зода)، «زاد، - یان، پور، دخت» (-зод, -иён, -пур, -духт) مانند:

انصاری (Ансорӣ)، میرزاده (Мирзода)، افصح زاد (Афсаҳзод)،
نادریان (Нодириён)، سلیم پور (Салимпур)، ظفر دخت
(Зафардухт).

پسوند «ی» (-й)، تخلص نیز می سازد:

رودکی (Рӯдакӣ)، جامی (Ҷомӣ)، شکوهی (Шукуҳӣ)، نوایی
(Навоӣ).

د) با پسوندهای به وام گرفته از زبان روسی -ов و -ев و -ова و -ева و

-ович و -евич و -овна و -евна:

کریم اف (Каримов)، سلیم او (Салимов)، دلاور دولت او یچ
(Диловар Давлатович)، شرافت احمد اونا (Шарофат аҳамдовна)،
غنیو (Ғаниев)، غنیوا (Ғаниева)، کریموا (Каримова)، صنوبر نیونا
(Санавбар Набиевна).

۲۱. کلماتی که حرف اول آنها بزرگ نوشته می شود:

الف) نام های خدا:

خدا (Худо)، خداوند (Худованд)، پروردگار (Парвардигор)،
آفریدگار (Офаригор)، یزدان (Яздон)، الله (Аллоҳ).

ب) نام، نام پدر و نسبت و لقب:

انوری کریم زاده (Анварӣ Каримзода)، ظفر نظر (Зафар Назар)،
جمشید دخت (Ҷамшеддухт)، ابو عبدالله رودکی (Абуабдуллоҳи Рӯдакӣ)،
حافظ شیرازی (Ҳофизи Шерозӣ)، کمال خجندی (Қамоли Хучандӣ).

«ابن» «بنت» «ولد» (валад، бинт، ибн) بین اسم و نام پدر با حروف کوچک و جدا نوشته می‌شوند:

ابوعلی ابن سینا (Абуали ибни Сино)، یادگار ولد بازار (Ёдгор валад Бозор)، نادر بنت نظر (Нодир бинти Назар).
«ابن» (ибн) در اول اسم خاص جدا و با حرف بزرگ نوشته می‌شود مانند:
ابن سینا (Ибни Сино)، ابن‌یمین (Ибни Ямин)، ابن‌منصور (Ибни Мансур).
ج) نام سلسله‌های تاریخی:

اشکانیان (Ашкониён)، ساسانیان (Сосониён)، طاهریان (Тохириён)، صفاریان (Саффориён)، سامانیان (Сомониён)، غزنویان (Ғазнавиён).

د) اسم‌های خاصی که با علامت جمع آمده‌اند نیز با حرف بزرگ نوشته می‌شوند:

انورها (Анвархо)، آدینه‌ای‌ها (Одинавехо)، شریف‌ها (Шарифхо)، رحیم‌زاده‌ها (Раҳимзодахо).

تبصره: اسم‌های خاصی که جزئی از ترکیب‌اند با حرف کوچک نوشته می‌شوند:
سعدی صفت (саъдисифат)، حافظ‌شناسی (хофизшиносӣ)، خیام‌پرستی (хайёомпарастӣ)، انوری خوانی (анварихонӣ)، شاهنامه‌خوانی (шоҳномахонӣ).

ه) نام‌های مقامات دولتی، منصب‌های عالی، پرچم، و نشان ملی:

حکومت جمهوری تاجیکستان (Ҳукумати Ҷумҳурии Тоҷикистон)، مجلس عالی جمهوری تاجیکستان (Маҷлиси Олии Ҷумҳурии Тоҷикистон)، پرزیدنت جمهوری تاجیکستان (Президенти Ҷумҳурии Тоҷикистон)، رئیس مجلس عالی جمهوری تاجیکستان (Раиси Маҷлиси Олии Ҷумҳурии Тоҷикистон)، نشان ملی جمهوری تاجیکستان (Нишони Миллии Ҷумҳурии Тоҷикистон).

(و) جز اول و اسم خاص در ترکیبات اسمی که در عناوین و نشان‌های دولتی و جوایز عالی به کار می‌روند:

ارباب علم و تخنیکیه جمهوری تاجیکستان
(Арбоби илм ва техникаи ҷумҳурии Тоҷикистон). نویسنده خلق جمهوری
تاجیکستان (Нависанда халқ ҷумҳурии Тоҷикистон)، اعلاچی معارف
جمهوری تاجیکستان (Аълончи маориф ҷумҳурии Тоҷикистон)،
جائزة بین‌المللی نوبل (Ҷоизаи байналмилалӣ Нобел).

تبصره: نام مقام و منصب، عنوان، رتبه و درجه علمی و نظامی و سازمان‌هایی
که خصوصیات عام دارند، با حرف کوچک نوشته می‌شوند:

عضو فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان
(Академики Академияи илмҳои ҷумҳурии Тоҷикистон)
دکتر علم فیلولوژی [دارای درجه دکتری در فقه‌اللغه یا متن‌شناسی]
(доктори илми филология)، وزارت معارف (вазорати маориф)،
پالکاونیک [درمانگاه] ارتش ملی (полковникӣ артиши миллии).

(ز) اسم‌های خاص مقامات اجرایی و سیاسی و نام‌های جغرافیایی (نام
مملکت، کشور، جمهوری، ولایت، شهر، ناحیه، اقیانوس، بحر، دریا، رودها،
سیاره‌ها):

جمهوری تاجیکستان (Ҷумҳурии Тоҷикистон)، جمهوری اسلامی
ایران (Ҷумҳурии исломии Эрон)، امریکا (Амрико)، قرغان‌تپه
[ناحیه‌ای در تاجیکستان] (Қарғонтеппа)، خجند (Хучанд)،
سمرقند (Самарқанд)، اقیانوس آرام (укёнуси Ором)، دریای
وخش [از شاه‌آب‌های شاخه‌های اصلی] آمو دریا در جنوب غربی تاجیکستان
(дарёи Вахш)، ناحیه حصار [در حوالی شهر دوشنبه] (ноҳяи Ҳисор)،
آفتاب (Офтоб)، ماه (Моҳ)، زمین (Замин)، زهره (Зухра)، زهل
(Зухал).

ح) جزء اول و اسامی خاص در ترکیب نام‌های اداری، مقامات دولتی و فرهنگی:

وزارت فرهنگ جمهوری تاجیکستان (Вазорати фарҳанг Ҷумҳурии Тоҷикистон)،

دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان (Донишгоҳи давлатии миллии Ҷумҳурии Тоҷикистон)،

پژوهشگاه علمی آموزگاری (Пажӯҳишгоҳ илмии омӯзгорӣ)،

کتابخانه ملی فردوسی (Китобхонаи миллии Фирдавси).

تبصره: نام مدارس متوسطه، آموزشگاه‌های حرفه‌ای و امثال آنها که خصوصیت عام دارند با حرف کوچک ولی اسم خاص داخلشان با حرف بزرگ نوشته می‌شود مانند:

مکتب میانه رقم ۱۰ شهر دوشنبه (мактаби миёнаи рақами 10-и шаҳри душанбе)،

آموزشگاه طبی شهر قورغان‌تپه (омӯзишгоҳи тиббии шаҳри Қӯрғонтеппа).

ط) کوته‌نوشت‌ها یا اختصاراتی که از حروف اول کلمه‌ها و عبارت‌های ترکیبی ساخته شده‌اند:

ДДМТ (دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان، Донишгоҳи давлатии

АИ (آکادمیای علم‌ها، فرهنگستان علوم، (миллии Тоҷикистон)

СММ (سازمان ملل متحد، (Академияи илмҳо)

ҶТ (جمهوری تاجیکستان، (Созмони Милали Муттаҳид)

Ҷумҳурии Тоҷикистон).

ی) اسم‌های مرکب حوادث و وقایع تاریخی که عَلم شده باشند:

روز استقلال تاجیکستان (Рӯзи Истиқлоли Ҷумҳурии Тоҷикистон)،

عصیان مُقَنع (Исёни Муқаннаъ)، شورشِ واسع (Шӯриши Восиъ).

س) جزء اول و اسامی خاص در عبارت‌های ترکیبی قوانین و اسناد رسمی:

قانون زمین (Қонуни замин)، اعلامیة حقوق بشر (Эълومияи ҳуқуқи башар)،

قانون زبان جمهوری تاجیکستان (Қонуни забони Ҷумҳурии Тоҷикистон).

ع) جزء اول اسامی خاص انجمن‌ها و جشن‌ها:

انجمن بین‌المللی تاجیکان (Анҷумани байналмилалии тоҷикон)،

کنگره بین‌المللی زبان‌شناسان (Конгресси байналмилалии забоншиносон)،

جشن هزار و چهارصدمین سالگرد باربد (Чашни 1400 умин солгарди Борбад)۔

ف) جزء اول و اسم خاص داخل اسامی مرکب آثار بدیعی، علمی، مجله و

روزنامه‌ها، سرود، موسیقی، فیلم‌ها، آثار نمایشی:

دختر آتش (Духтари оташ)، پسر وطن (Писари Ватан)، صدای

شرق (Садои Шарқ)، صدای مردم (Садои мардум)، چرخ

گردون (Чархи гардун)، سراخبار کوهستان (Сарахбори кӯхистон)،

چول عراق [= نام دستگاهی در موسیقی] (Чули Ирок)۔

ض) جزء اول و اسم خاص در نام قراردادها و اسناد رسمی:

درباره تدبیرهای اجرای قانون زبان جمهوری تاجیکستان

(Дар бораи тадбирҳои иҷрои Қонуни забони Ҷумҳурии Тоҷикистон)۔

ق) جزء اول نام شرکت‌ها، اتحادیه‌ها، کالخوز (مزرعه اشتراکی) و ساوخازها

(مزرعه دولتی):

شرکت لباس طیار (ширкати Либос тайёр)، شرکت ستاره

(ширкати Ситора)، کالخوز غلبه (колхузи Ғалаба)۔

ر) نام فروشگاه، سینما تئاتر، غذاخوری، چایخانه، و وسایل حمل و نقل:

بازار برکت (бозори Баракат)، فابریک (کارخانه) شیرینی

(фабрикаи Ширин)، سینما تئاتر وطن (кинотеатри Ватан)،

رستوران فراغت (рестарани Фароғат)، فروشگاه ماه نو

(фурӯшгоҳ Моҳи нав)، اوتابوس اکروس (автобуси Икарус)،

ماشین وُلگا (мошини Волга)۔

املاى صفت

۲۲. پیوسته نوشته می‌شوند:

الف) صفت‌هایی که با پیشوندهای **-та**، **-но**، **-бо**، **-бе**، **-дар**، **-бар**، **-ба** ساخته شده‌اند:

جوان با فراست (Чавони бофаросат)، کار با مصلحت (кори бомаслиҳат)،
پسر برکمال (писари баркамол)، عقیده بی‌بنیاد (ақидаи бевунёд)،
دختر ناکام (духтари ноком)، دوره تا الفبا [بجد خوان] (хамдавраи то алифбо).

ب) صفت‌های مرکبی که با جزء میانی **-ба-**، **-дар-** ساخته باشند:

تلاش تن‌به‌تن (талози танбатан)، صحبت روبه‌رو
(сӯхбаги рӯбарӯ)، همسایه دربه‌در (хамсоия дарбадар)، تکرار
بی‌درپی (тикрори пайدارпай).

ج) ترکیب‌های وصفی مرکبی که با جزء میانی **-ба-**، **-бар-**، **-дар-**، **-andar-** ساخته شده باشند:

دخترِ رومال [روسری] به‌سر (духтари рӯمولбасар)، آدم زنده در گور
(марди кулохбасар سر)، مرد کلاه‌به‌سر (одами зиндадаргӯر)
متاع نیست اندر جهان [= بی‌مانند] (матоъи нестандарҷаҳон).

د) ترکیب‌های وصفی مرکبی که با پسوندهای **-а**، **-й**، **-гй** و **-вй** ساخته شده باشند:

کار دوساعته (кори дусоата)، تنفسِ نصفه‌روزی (танаффуси нисфирӯзӣ)،
رای‌پرسی عموم‌خلقی [= رفراندوم] (раёйпурсии умумхалқӣ)،
آزمون بین‌ناحیه‌ای (озмуни байниноҳиявӣ).

ه) ترکیب‌های وصفی مرکبی که از تکرار کلمه ساخته شده باشند:
 کاغذ رَخ رَخ [=خط‌دار] (қоғазӣ раҳрах)، ریش تارتار [=کم پُشت]
 (риши тортор)، گریبان پرپر (гиребони парпар)، لباس هِل هِل
 [= بدن نما] (либос ҳил-ҳил).

و) صفت‌هایی که از ترکیب اسم و بن مضارع فعل ساخته شده باشند:
 مرد زنبورعسل پرور (марди занбӯриасалпарвар)، اُستای سنگ
 آسیاتراش (устои сангиосиётарош).

۲۳. با نیمخط نوشته می‌شوند:

الف) صفت‌هایی که از ترکیب عدد و پسوندهای -а، -й (гӣ) -ینه -ина، ساخته شده باشند:

سنگ ۵۰ گرمی (санги 50-граммӣ)، نان ۱۰۰ سومه [واحد پول
 تاجیکستان در دوره شوروی] (нони 100-сӯма).

ب) صفت‌هایی با ساخت خاص که بر شدت و تمامی و بسیاری دلالت
 دارند:

زَب زرد [سیار زرد] (заб-зард)، کب کبود (каб-кабуд)، سُپ سرخ
 (суп-сурх)، سَن سفید (сан-сафед)، تپ تاریک (тип-торик)،
 لوب لونده [تماماً گلوله شده] (лӯб-лӯнда)، کپه-کلان (каппа-калон).

۲۴. جدا نوشته می‌شوند:

الف) صفت‌های مترادف یا چندمعنایی، که با حرف عطف -у (-ю، -ву) ساخته شده باشند:

گل‌های سرخ و سفید (гулҳои сурху сафед)، گپ‌های پست و بلند
 (гапҳои пасту баланд)، سخن‌های والا و زیبا (суханҳои волою зебо).

مسئله‌های اجتماعی و سیاسی (масъалаҳои иҷтимоӣвӣву сиёсӣ)،
 مادی و معنوی (моддиву маънавӣ)، کارهای علمی و تکنیکی (فتی)
 (корҳои илмиву техникӣ).

ب) صفتهای جفتی، که با پیشوندها و پیشوند گونه‌های با-، بی - سیر-،
 پور- خوش- (бу-، се-، сер-، -пур-، -хуш) و حرف عطف و (-у) ساخته
 می‌شوند:

دشت بی دال و درخت (дашти бедолу дарахт)، آدم با عقل و خرد
 (одами боақлу хирад)، مرد خوش قد و قامت (марди хушқаду қомат)،
 وادی پرگل و ریحان (водии пургулу райҳон).

ج) صفتهای جفتی که از ترکیبهای اسمی و پسوند ناک یا بن مضارع
 داشتن (دار) ساخته شده می‌شوند:

عمل خوف و خطرناک (амали хавфу хатарнок)، آدم غم و دردناک
 (одами ғаму дарднок)، آدم پشت و پناه‌دار (одами пушту паноҳдор)،
 خویش و تباردار (хешу табордор).

املاي عدد

۲۵. پیوسته نوشته می‌شود:

الف) عدد ترتیبی با پسوند -юм/ -ум:

چهارم (чорум)، دهم (дахум)، سیم (сеюм)، دویتم (дуюм)،
 شصت و سیم (шасту сеюум)، بیست و دویتم (бисту дуюм).

ب) اعداد از یازده تا نوزده و از دوصد (دویست) تا نهصد:

دوازده (дувоздах)، شانزده (шонздах)، هژده (هجده) (ҳаждах)،
 سهصد (سیصد) (сесад)، هشتصد (ҳаштсад).

اعداد اصلی و ترتیبی زیر دو صورت نوشتاری دارند:

دوصد / دویست (дусад/дувист)، چار/ چهار (чор/чаҳор)،

چل / چهل (чил/чихил)، دویم / دوم (дуввум/дуюм)، سیّم / سوم (саввум/сеюм)، چارم / چهارم (чорум/чаҳорум).
 ج) اعداد کسری:

سه یک (сеяк)، چاریک (чоряк)، شش یک (шашяк) ده یک (дахяк).

تبصره: عدد کسری، اگر با حرف اضافه «از» (аз) باشد، جدا نوشته می شود:
 از سه یک (аз се як)، از شش چار (аз шаш чор)، از پنج سه (аз панҷ се).
 د) عدد اصلی با واحد شمارشی تا (-то/-та):

دوتا (дуто)، سه تا (се то)، ده تا (дахто)، صدتا (садто)، هزارتا (хазорто).

۲۶. با نیمخط نوشته می شوند:

الف) اعداد تخمینی:

یک دو (як-ду)، سه چار (се-чор)، ده پانزده (дах-поздаҳ)، سی چل (сий-чил)، هزار دو هزار (хазор-духазор).

ب) اعداد رقمی با واحد شمارشی تا (-то/-та):

سه تا (3-то)، پنج تا (5-то)، بیست تا (20-то)، ده تا (10-то)، صدتا (100-то)، هزارتا (1000-то).

ج) عدد ترتیبی به صورت رقم و پسوند -юм / -ум:

پنجم (5-ум)، دوازدهم (12-ум)، سیام (30-юм)، دوم (2-юм).

۲۷. جدا نوشته می شوند:

الف) اعداد با نامهای ترکیبی که با حرف عطف -у / -ю / -ву ساخته شده باشند:

بیست و یک (бисту як)، سی و سه (сиву/сивую се)، پنجاه و پنج (панҷоҳу панҷ)، هزار و سی و شش (хазору сиву шаш).

ب) عدد مرگب از اصلی و کسری:

یک ونیم (яку ним)، دوونیم (дуву / дую ним).

ج) واحدهای شمارشی دانه، سر، نفر، دسته (нафар، сар، дона، даста) و امثال آنها جدا از عدد نوشته می شوند:

دو دانه سیب (ду дона себ)، پنج سر اسب (панч сар асп)، دو نفر کارگر (ду нафар коргар).

د) درصد یا فائز به طریق ذیل نوشته می شود:

پنج فائز (5фоиз)، صد فائز (сад фоиз)، یکصد و ده فائز (як саду даҳ фоиз)، پنج درصد (панч дар сад)، صددرصد (сад дар сад).

املاي ضمير

۲۸. پیوسته نوشته می شوند:

الف) ضمائر ملکی متصل (-ام، -ات، -اش، -امان، -اتان، -اشان) همراه اسم:
کتابم (китобам)، کتابت (китобат)، کتابش (китобаш)، کتابمان
(китобимон)، کتابتان (китобитон)، کتابشان (китобишон).

تبصره: صورت مخفف شده ضمیر متصل - غالباً در نظم - با نیمخط از اسم جدا می شود:

پسرّم (писар-м)، پسرّت (писар-т)، پسرّش (писар-ш).

ب) ضمیر اشاره و مبهم و مرگب:

همین (хамин)، همان (хамон)، این چنین (инчунин)، آن چنان
(ончунон)، همچنین (хамчунин)، همچنان (хамчунон)، همدیگر

(хамдигар).

۲۹. جدا نوشته می شوند:

شناسه اسمی (مختص) از اسم:

این گونه (ин гуна)، آن گونه (он гуна)، این قدر (ин қадар)، آن قدر (он қадар)، هر یک (хар як)، هیچ یک (ҳич як)، هر قدر (хар қадар)، چی گونه (чӣ гуна)، چی خیل (чӣ хел)، چی قدر (чӣ қадар)، چی نوع (чӣ навъ).

۳۰. ضمائر پرسشی «کی» (кӣ) و «چی» (чӣ) استثناً با И ی تکیه بر نوشته می شوند:

کی آمد؟ (кӣ омад?)، چی گفتی؟ (чӣ гуфтӣ?)، هر کی (хар кӣ)، هر چی (хар чӣ)، چی خیل (чӣ хел)، چی قدر (чӣ қадар).

املاي فعل

۳۱. پیوسته نوشته می شوند:

الف) پیشوندهای فعل ساز در-، بر-، فر و-، باز- (дар-، бар-، фур- / фар-، во-، боз-)، همراه با فعل:

درآمدن (даромадан)، برآمدن (баромадан)، برخوردار شدن (бархостан)، برگزیدن (баргаштан)، فرآمدن (фуромадан) (فارومادان) و اخوردن (вохурдан)، بازگزیدن (бозгаштан)، بازگفتن (бозгуфтан).

تبصره: «وا» (во-) یا «باز» (بоз-)، هرگاه در معنای «گشاده» به کار رفته

باشند، جدا از فعل نوشته می شوند:

واکردن (во қардан)، وا گذاشتن (во гузоштан)، بازگردیدن (боз гардан)، باز خواندن (боз хондан)، باز استادن (боз истодан).

ب) پیشوندهای شکل ساز بِ نَ - مَ - می - همی - (ма- /на- /бу- / би-)
 (хамه- / ме-) با فعل تصریفی:

بَشکُفْت (бишкүфт)، نخواست (нахост)، مَرَوُ (марав)، می رود
 (меравад)، می دويد (медавид)، در نمی گیرد (дарнамегирад)،
 برنخواست (барнахост)، در نمی افتاد (дарнамеافتод)، همی آید
 (хамهояاد).

تبصره: صورت مخفف شده پیشوند نفی (на-) - غالباً در نظم - با نیمخطّ
 نوشته می شود:

ناموزد (н-омӯзад)، نامد (н-омад)، ناساید (н-осоаяд).

ج) شناسه های فعل ماضی (مَ، -ی، -یم، -ید، -ند) (ам، -и، -ем، -ед، -анд)
 و پی واژه های اسناد، (مَ، -ی، -یم، -ید، -ند) (ам، -и، -ем، -и، -анд):

خواندم (хондам)، خواندی (хонди)، خواندیم (хондем)، خواندند
 (хонданд)، کارگرم (коргарам)، کارگری (коргарӣ)، کارگریم
 (коргарем)، کارگرید (коргаред)، کارگرند (коргаранд).

د) جزء «ست» (аст) در صیغه ماضی نقلی پیوسته نوشته می شود:

خواندست (хондаст)، گفتست (гуфтааст)، دادست (додааст).

اما **аст**، به عنوان فعل اسنادی، جدا نوشته می شود:

کارگر است (коргар аст)، داناست (доно аст)، پیشقدم است
 (пешкадам аст)، داوطلب است (довталаб аст).

فعل اسنادی (аст) هرگاه به صورت «ست» (ст) (پی واژه) تلفظ شود پیوسته به

واژه پیش از خود نوشته می شود:

مردیست (мардест)، شخصيست (шахсест)، خواندنیست (хонданест)،
 رفتنیست (рафтанест).

۳۲. جدا نوشته می شوند:

الف) اجزای فعل های مرکب:

دعوت کردن (даъват кардан)، (نمودن، شدن) (шудан، نامудан)،
سفيد کردن / شدن (сафед кардан / шудан)، خفه کردن / شدن
(хафа кардан / шудан)، خوانده استادن (хонда истодан)، سرخ
شدن (сурх шудан)، یک شدن (як шудан).

ب) اجزاء فعل های مرکب پیشوندی:

از برگردن (аз бар кардан)، از یاد کردن (аз ёд кардан)،
به جا آوردن (ба чо овардан)، به عمل آوردن (ба амал овардан)،
در فضا شدن (дар фазо шудан)، به شور آمدن (ба шӯр омадан)،
عمر به سر بردن (умр ба сар бурдан)، در برگرفتن (дар бар гирифтган)،
به وایه [دلخواه، خواست دل] رسیدن (расидан ба воя)، به کار بردن
(ба кор бурдан).

ج) اجزای صیغه افعال یا اجزای فعل های مرکب که با افعال کمکی ساخته
شوند:

خوانده بود (хонда буд)، خواهد خورد (хоҳад хӯрд)، رفته استاده بود
(ташкил карда метавонад)، تشکیل کرده می تواند (ташкиل карда метавонаد)،
باید اجرا کند (бојад иҷро кунад)، شاید دیر مانده باشد
(шояд дер монда бошад).

املاي صفت مشتق از فعل

۳۳. پیوسته نوشته می شوند:

الف) صفت فاعلی مرکب از اسم و بن مضارع و پسوند -انده (-анда):
دامادشونده (домодшаванда)، ختم کننده (хатмкунанда)،

جواب‌دهنده (Чавобдиҳанда)، نشان‌دهنده (нишондиҳанда)،
پیش‌برنده (пешбаранда)، مغلوب‌شونده (мақлубшаванда).
ب) صفت مفعولی مرکّب از اسم و بن ماضی با پسوند -a):
کارهای اجراشده (корҳои иҷрошуда)، اجراکرده (иҷрокарда)،
دیرمانده (дермонда)، قفامانده (қафомонда)، انجام‌یافته
(анҷомёфта)، پیاله لب‌شکسته (пиёлаи лабшикаста)، سگ دم
بریده (сағи думбурида).

ج) صفت فاعلی مرکّب از حرف اضافه و اسم یا ضمیر و صفت مفعولی:
کار به انجام رسیده (кори баанҷомрасида)، جوان از خودرفته
(Чавони азхудرافта)، پیر برجا مانده (пири барҷомонда)، امید
به باد رفته (умеди бабодرافта).

د) صفت لیاقت که با -й) نشانه نسبت یا لیاقت ساخته می‌شود:
واقعه‌های فراموش نشدنی (воқеаҳои фаромушнашуданӣ)، پول
صرف‌شدنی (пули сарфшудانӣ)، قرار اجراشدنی
(қарори иҷронаشудانӣ).

املاى قيد

۳۴. قيد حالت مرکب، که از ترکیب اسم و بن مضارع و پسوند «-он» (-он)
ساخته شده باشد، پیوسته نوشته می‌شود:

بازی‌کنان (бозикунон)، نوازشگران (навозишгарон)، راهروان
(роҳравон)، سرودخوانان (сурودخوانон)، صحبت‌کنان
(суҳбаткунон)، گلدور راس‌زنان [گلدوراس = صدای رعدوبرق و مهیب]
(гулдурросзанон).

قید حالت مرکبی که جزء اسمی آن تکرار می‌شود نیز پیوسته نوشته می‌شود:
 پچیر پچیر کنان [پچ پچ کنان] (пичирпи чиркунон)، هسی هسی گویان
 (хайхайгүён)، چه چه کنان (чаҳчаҳкунон).

۳۵. اجزای قید حالت مرکبی که با تکرار واژه یا عبارتی (صفت فاعلی یا مفعولی مشتق از فعل) ساخته شده باشد با نیمخط از یکدیگر جدا می‌شوند:
 لرزان ارزان (ларзон-ларзон)، خندان خندان (хандон-хандон)،
 خندیده خندیده (хандида-хандида)، لنگان لنگان (лангон-лангон)،
 لنگیده لنگیده (лангида-лангида)، دوان دوان (давон-давон)،
 دویده دویده (давида-давида).

۳۶. پیوسته نوشته می‌شوند:

الف) قیدهایی که با پیشوندهای (ب-، بر-، با-، بی-، در-، نا-، تا-) (ба-)،
 (бо-، бар-، бе-، дар-، но-، то) ساخته شده باشند:
 به ناگاه (баногоҳ)، بکلی (бакуллӣ)، به حضور (бахузур)، به تفصیل
 (батафзил)، بروقت (барвақт)، سردروغ (бардурӯғ)، بر قصد
 (барқасд)، بادقت (бодикқат)، با موفقیت (бомуваффақият)،
 بی‌مورد (бемаврид)، ناگاه (ногоҳ)، تارفت (торафт).
 ب) قیدهایی مرکب:

دو زانو (дузону)، دوپهلو (дупахлу)، دوچند (дучанд)، یک‌ذیل
 (якзайл)، یک‌پهلو (якпахлу)، چارزانو (чорзону)، کتابه‌آمیز
 (кинояомез)، پس‌فردا (пасфардо)، پارسال (порсол)، عمر باد
 [یک عمر] (умрбод)، پیرارسال (перорсол)، پریشب (поришаб).

ج) قیده‌های مرکب از عدد و اسم با پسوند -ه (-a)، -ی (-й)، -گی (-гй):
 دوکسه (дукаса)، دودسته (дудаста)، دوتایی (дутой)، ده‌سومی
 [سوم، واحد پول در تاجیکستان شوروی] (дахсӯмӣ)، صدمتری (сад метрӣ)،
 شانزده‌گزی (шонздаҳгазӣ)، سه‌دانگی (седонагӣ)، پنج‌دانگی
 (панҷдонагӣ).

هرگاه جزء عددی این قیدها با رقم نوشته شود، عدد از اسم با نیمخط جدا
 می‌گردد:

ده‌سومی (10-сӯмӣ)، سیصدگرمی (300-гармӣ)، ده‌تانگی (10-тонгӣ).
 د) قیده‌های مرکبی که با ستاک‌ساز -ا- یا -o- ساخته شده باشند:
 دورادور (дуродур)، سراسر (саросар)، لبالب (лаболаб)،
 پساپیش (пасопеш)، پیاپی (паёпай).

ه) قیده‌هایی، که از ترکیب اضافی یا عطفی همراه با پسوند -وار (-вор) ساخته
 شده باشند:

برگ‌بیدوار (баргибедвор)، قند و عسل وار (кандуасалвор)،
 پشت‌ماهی‌وار (пуштимоҳивор)، حلوی تروار (ҳалвоитарвор)،
 موروملخ‌وار (мӯрумалахвор).

۳۷. اجزای قیده‌های مرکبی که از تکرار واژه ساخته شده باشند با نیمخط از
 یکدیگر جدا می‌شوند:

احیان‌احیان [= گاه‌گاه] (аҳён-аҳён)، دامن‌دامن (доман-доман)،
 دسته‌دسته (даста-даста)، گروه‌گروه (гурӯҳ-гурӯҳ)، زودزود
 (зуд-зуд)، آهسته‌آهسته (оҳиста-оҳиста)، سی‌تاسی‌تا
 (сето-сето)، جا‌جا (ҷо-ҷо)، خلت‌خلت [نخته‌لخته] (халта-халта).

۳۸. جدا نوشته می‌شوند:

الف) قیدهایی که از تکرار واژه با حرف اضافه در میان آنها ساخته شده باشند:
 دم به دم (дам ба дам)، روزبه روز (руз ба روز)، وجب به وجب
 (вачаб ба вачаб)، سال به سال (сол ба сол)، خانه به خانه
 (шаб то шаб)، شب تا شب (хона ба хона).

ب) قیدهایی که از ترکیب اضافی و مصدر ساخته شده باشند:
 دست خالی آمدن (дасти холи омадан)، سر آستین سلام کردن [یا
 سردی سلام کردن] (сари остин салом кардан)، سرپانشستن
 (сари по нишастан)، پای لوج [یا برهنه] دويدن (пой луч)
 (давидан).

۳۹. در قیدهایی که از ترکیب عدد اصلی و واحد شمارش با پسوند -ی / -گی
 -и / -и ساخته شده باشند، تنها جزء آخر نام عدد پیوسته به واحد شمارش
 نوشته می شود:

چار صد و پنجاه کیلویی (чорсаду панчоҳкилуи)، سی و هشت کیلویی
 (сиву ҳашткилуи)، ششصد و نودونه ساعتی (шашсаду наваду нӯхсоати)،
 هفت صد و نود و شش دانگی (ҳафтсаду наваду шашдонаги).

تبصره: عدد هر گاه به رقم نوشته شود، با نیمخط از واحد شمارشی جدا می شود:
 ۴۵۰ کیلو (450-килуи)، ۱۰۷ تانگی (107-тоннаги)، ۶۴۵ دانگی
 (645-донаги)، ۱۶۲ نفری (162-нафари)، ۱۱۷ سری (117-сари).

املاي حروف اضافه

۴۰. جدا نوشته می شوند:

الف) جزئی از عبارت مصدری و صیغه های فعلی آن یا نقش نما باشند:

از سفر برگشتن (аз сафар баргаштан)، به بازار رفتن (ба бозор рафтан)، بر بام برآمدن (бар бом баромادن)، با دوست صحبت کردن (бо дӯст сӯхбат кардан)، در راه ماندن (дар роҳ мондан)، تا ایستگاه رفتن (то истгоҳ рафтан)، برای رفیق (барои рафіқ)، جز مادر (کسی نازپرداز فرزند نیست) (касе нозбардори фарзанд нист)، هنگام ملاقات (мувофіқи ривояتی мардумӣ) (хангоми мулоқот)، از او پرسیدن (аз ӯ پурсیدان)، از چار سه حصّه [از چار سه = سه چهارم] (аз хор се ҫисса)، از رفتن ترسیدن (аз рафтан тарасیدان).

ب) حروف اضافه مرکب:

به جز (ба ҷуз)، تا به (то ба)، جز از (ҷуз аз).

ج) حروف اضافه مرکب با نشانه اضافه:

از برای (аз барои)، به وقت (ба вақتی)، به مناسبت (ба муносибати)، به شرط (ба шартی)، به حیص (ба ҫайси)، به مرور (ба мурури)، با همراهی (бо ҳамроҳیи)، تا دوره (то давраи)، در بین (дар байنی).

د) حروف اضافه مرکب بدون نشانه اضافه:

پیش از (پеш аз)، پس از (пас аз)، دایر به (دویر ба)، راجع به (роҷеъ ба)، نسبت به (нисбат ба)، عائد به (оид ба).

ه) پیراوند (حرف اضافه مضاعف):

به باغ اندر (ба боғ اندر)، به شب اندر (ба шаб اندر)، به راه اندر (ба роҳ اندر).

۴۱. با نیمخط نوشته می شود:

الف) در **بد** (= به) (**бад**):

بدین (**бад-ин**)، بدان (**бад-он**)، بدو (**бад-ӯ**).

ب) حروف اضافه مرکب که از تکرار اسم با پسوند -ی ساخته شده باشند:
گرد گرده (**гирд-гирди**)، زیر زیره (**зер-зери**)، تگ تگه (**таг-таги**)،
ته تهه (**таҳ-таҳи**)، لب لبه (**лаб-лаби**)، روروه (**рӯ-рӯи**)، پس پسه
(**пас-паси**)، سر سره (**сар-сари**)، قد قدّه (**қад-қади**)، پیش پیشه
(**пеш-пеш**).

ج) حروف اضافه مخفف:

زین [= از این] (**з-ин**)، زان [= از آن] (**з-он**)، زو [= از او] (**з-ӯ**).

املائی پسایند*

۴۲

الف) را (**ро**) پیوسته به مفعول صریح نوشته می شود:

کار را تمام کرد (**корро тамои кард**)، قاسم را شناخت
(**мошинро таъмир кардем**)، ماشین را تعمیر کردیم
وقت را گذرانید (**вақтро гузарондед**)، برنامه را اجرا کردند
(**барномаро иҷро карданд**).

تبصره: «را»ی (**ро**) نشانه مفعولی پس از پرائتز () با نیمخط از مفعولی

صریح جدا می شود:

سر اعضاها [= اعضای اصلی] (مبتدا و خبر) را بنیاد [= ارکان] جمله می نامند

(**сараъзоҳо (мубтадо ва хабар) - ро бунёди ҷумла меноманд**).

* در تعریف پسایند در فرهنگ تفسیری تاجیکی آمده است یک قسم حصه‌های یاوری نطق که برای رابطه حصه‌های مستقل نطق خدمت می کند. (در کل پسایند شامل پسوندها و حروف اضافه شناسه‌ها و ... که پس از کلمه می آید، می شود).

ب) قیدهای مکانی «این جانب»، «این طرف» پیوسته نوشته می شوند:

یک سال این جانب / این طرف او را ندیده است.

(яксол инҷониб / интараф ӯро надида аст.)

۴۳. قیدها یا ضمایر اسمی نظیر برین [= به دلیل، به سبب] (барин)، قطی [ترکی = همراه]

(қатї)، باز (боз)، پیش (пеш)، قبل (қابل)، زمان (замон)، همان/همانا

(ҳамон /хамоно)، این طرف (интараф)، این جانب (инҷониб)، از

کلمه های پیشینه جدا نوشته می شوند:

گل برین (гул барин)، قندبرین (қанд барин)، دو سال باز او را

ندیده ام (ду сол боз ӯро надидаам). آمدن زمان کار را سر کرد.

(омадан замон корро саркард)، سه شب این جانب / این طرف در تاریکی

نشسته ایم (се шаб инҷониб / интараф дар торикїнишастаем).

پنج سال قبل ساختمان را شروع کرده بودند.

(панҷ сол қабл сохтмонро шурӯъ кардабуданд)

املائی حرف ربط و حرف عطف

۴۴. پیوسته نوشته می شود:

الف) اجزای حرف ربط مرکب:

بلکه (балки)، اگرچه (اگرچه) (агарчи)، از بس که (азбаски)،

وگرنه (вагарна)، چونکه (چونکه) (чунки).

ب) حرف عطف و در صورت های -VY'YU'-، -VY'YU'- پیوسته به جزء پیش از خود

نوشته می شود:

یار و رفیق (ёру рафиқ)، دوست و دشمن (дӯсту душман)، علمی و آماری (илмиву омарӣ)، سیاسی و اجتماعی (сиёсию иҷтимоӣ).

۴۵. جدا نوشته می‌شود:

الف) حروف عطف «و» در صورت Ва و «که» ки استادان و شاگردان (устодон ву шогирдон)، زبان مادری را باید همه خوب دانند و عزیز دارند (забони модариро бояд хама хуб донанд ва азиз дораид)، او قول داده بود (ӯ қавл дода буд)، کی فردا می‌آید (ки фардо меоиад).

ب) اجزای حروف ربط مرکب:

وقتی که (вакте ки)، زیرا که (зеро ки)، باوجود اینکه / آنکه (сарفی назар ин/ он ки)، صرف نظر از اینکه / آنکه (ба қадре ки)، این / آن سبب که (аз ин / он сабаб ки)، به قدری که (бе ин / он ки)، به طوری که (ба тавре ки)، بی اینکه / آنکه (бе ин / он کی).
تبصره: اجزای حرف ربط مخفف با نیمخط از یکدیگر جدا می‌شوند:
وَر (в-ар)، وَاگر (ва агр)، وَاز (в-аз)، و [و و او] (в-ӯ).

املائی قیده‌های ترجّی و تمنّی و تحذیری

۴۶. اجزای انواع قیده‌های ترجّی و تمنّی و تحذیری پیوسته نوشته می‌شود:
کاشکی (кошкӣ)، بگذار (бигузور)، (بگذار) (бигзор)، مبادا (мабодо)، در کار (даркор)، رفت و (رافتو) (رافتو) (رافتو) (رافتو).

۴۷. ادات‌های -چی (-чи)، -که (-ку)، -ا (-а)، از واژهٔ پیش از خود با نیمخط جدا می‌شوند:

رویم‌چی [= بیا برویم] (равем-чи)، برگردیم‌چی [= بیا برگردیم] (баргардем-чи)، رفته‌کو [= رفته است که، او که رفته است] (рафта-ку)، نگفتیدکو [نگفتید که، نگفتید آنچه را باید می‌گفتید، می‌خواستید بگویید] (нагуфтед-ку)، نپرسیدیدکو [= نپرسیدید که، نپرسیدید آنچه را باید می‌پرسیدید/ می‌خواستید پرسید] (нопурсидид-ку)، نیاوردید/ نیاوردیدها [= نیاوردید آنچه را باید می‌آوردید/ می‌خواستید بیاورید] (наовардид-а).

۴۸. نه (-на)، فقط (фақат)، تنها (танҳо)، حتّی (ҳатто)، آیا (оё)، هم / نیز (ҳам/низ) و گویا (гӯё) جدا نوشته می‌شوند:

نه آمدی و نه پیغام فرستادید. (на оммеед ва на пайғом фиристодед)، در اینجا فقط مرا تو می‌شناسی. (дар ин чо фақат маро ту мешиносӣ)، این گپ را تنها یک نفر می‌دانست. (ин гапро танҳо як нафар медонист)، حتّی بعد از جلسه بحث ادامه داشت. (ҳатто баъд аз ҷаласа баҳс идома дошт)، آیا این کار برای شما وزنین [= سگین] نیست؟ (оё ин кор барои шумо вазнин нест؟)، مهمان هم / نیز با ما می‌رود. (еҳмон ҳам\низ бо мо меравад).

۴۹. اجزای عبارات قالبی جدا نوشته می‌شوند:

بیامان (биё мон)، گویا کی (гӯё ки)، ها بله (ҳо бале)، شاید که (شاید کی) (шавад کی)، باید که (بояد کی)، رود که [= برود دیگر] (رود کی) (равад کی).

املاى عبارات ندایى و اصوات

۵۰. نقش نماى ندا و منادا و امر مؤکد پیوسته به هم نوشته مى شوند:

دریغا (дареғо)، الها (илоҳо)، خدایا (худоё)، حیفا (хайфо)، اللها (аллоҳо)، روى [= برو دیگر] (раве)، خیزی [= برخیز دیگر] (хезе)، گریزی [= دور شو] (гурезе).

۵۱. دو جزء مکرر اصوات با نیمخط از هم جدا مى شوند:

بى بى [دال بر هشدار] (бай-бай)، به به (бах-бах)، وای وای (вой-вой)، هى هى (хай-хай)، باه باه [؟] (боҳ-боҳ)، کُچ کُچ [؟] (куч-куч)، هِش هِش [صدای نفس زدن = هن هن] (хиш-хиш)، کاش کاش (кош-кош)، هُد هُد [؟] (худ-худ)، هُشت هُشت [صدای رگبار تیر] (хушт-хушт).

۵۲. اجزای قیده‌هاى تأسف جدا نوشته مى شوند:

صد دریغ (сад дареғ)، صد افسوس (сад афсӯс)، هى دریغ (хай дареғ)، بسیار افسوس (бисёр афсӯс)، صد حیف (сад хайф)، هزار توبه (хазор тавба)، وا دریغا (во дареғ)، وای (э вой)، سلامم علیکم (салому алайкум)، ها آفرین [تأکیدى] (ха офарин)، سبیل ماناد [در راه بماند (نفرین)] (сабил монод).

A manual of Tajiki Persian Script and Grammar

**Approved by the Commission on Implementation of the
Language Law of the Republic of Tajikistan**

**Explanations and Transliteration by
Hassan Gharibi**

**Supplement No. 38
Nāme-ye Farhangestān**

Tehran 2010